

خبر

اظهارات سیروس کهوری نژاد درباره اردتش به امام حسین (ع)

سیروس کهوری نژاد از اردتش به امام حسین(ع) و درباره اینکه اگر در معرکه عاشورا حضور داشت، کجا قرار می‌گرفت، گفت: من نقش «جون» غلام حضرت امام حسین (ع) را بازی می‌کردم و لحظه ای بود که این شخصیت اذن میدان می‌خواهد.

به گزارش ایسنا، سیروس کهوری نژاد، بازیگر باسابقه‌سینما و تلویزیون درباره‌اولین آشنایی‌اش با امام حسین(ع) در کودکی توضیح داد: بر اساس چهره‌ای که من دارم همه فکر می‌کنند اهل جنوب هستم، ولی من تهران متولد شدم و این آشنایی هم در تهران اتفاق افتاد. مسجد محله مان مسابقه خلاصه کردن کتاب گذاشته بود و آشنایی من با مسجد و امام حسین(ع) از طریق کتاب اتفاق افتاد. من آن کتاب را خلاصه کردم و یک جفت کتابی به من جایزه دادند.

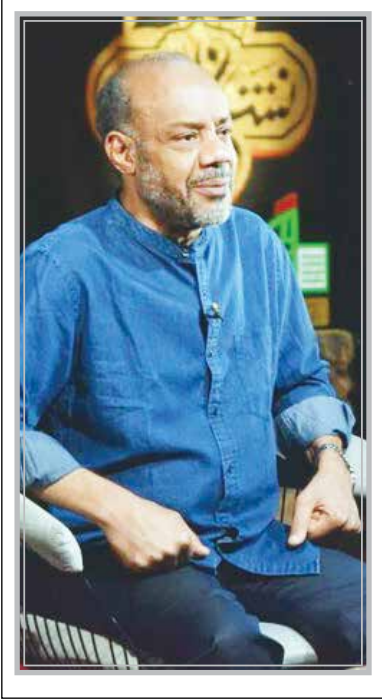
محرم شد و تا به خودم آمدم دیدم من زنجیر در دست دارم، بچه ای سنخ می‌زند، دیگری دارد نوحه حفظ می‌کند و دسته کودکان‌ای شکل داده بودیم. گاهی به جنوب می‌رفتم، گاهی هم در زمزمه‌های مادرم نوحه‌هایی می‌شنیدم. او یادآور شد: من نقشی به نام حاج مرزوق را بازی کردم، او یک معمم عراقی بود که تمام نوحه‌های جنوبی را او به ایران آورده است. در شروه خوانی‌ها یک سوز و غریب خاصی وجود دارد که آدمی را به هیبت تنهایی انسان در ازل ارجاع می‌دهد.

اگر کودیلا بود تحمل غربت امام حسین(ع) را نداشتیم

کهوری نژاد در پاسخ به اینکه اگر در معرکه عاشورا حضور داشت، کجا قرار می‌گرفت، گفت: من نقش «جون» غلام حضرت امام حسین(ع) را بازی می‌کردم و لحظه‌ای بود که این شخصیت اذن میدان می‌خواهد. او اسلحه ساز بوده و داشته شمشیر حضرت را بران می‌کرده است که متوجه می‌شود حضرت خیلی غریب نداشتن، حرف می‌زند، شعر می‌خواند، اما این بار انگار اولین باری است که جون این اشعار را می‌شنود… من باید تخیل و پلاتشیمه با ذهن خودم حضور حضرت را تجسم می‌کردم و این شعر را می‌شنیدم تا بخواهم آن را بازی کنم، اما حین بازی یک اتفاق دیگری در من افتاد. این اتفاق در حیطه بازیگری نبود، بلکه در این خصوص بود که اگر من آنجا بودم چه می‌کردم، خودم که احساس می‌کنم تحمل این غربت را نداشتم.

این بازیگر تأکید کرد: من نمایش «شرفنامه یحیی تیره بخت» را در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا کردم. آن موقع خیلی سخت بود اما یک علامت هفت تیغه را وسط سالن اصلی آوردیم. دوستی به نام علی هلالات بود که این نوحه‌ها را می‌خواند: ”از اول این تن من بحر نشان ساخته‌اند“ خیلی برایم حس خوبی داشت.

وی درباره بازیگری حرم‌های که در زمان بعث صدام از بین رفته بودند و گسترش دادن عتبات عالیات توسط عدای، اظهار کرد: ذهن بشر اینگونه است که در این خصوص سوالاتی ایجاد می‌شود، مثلاً اینکه اصلاً چرا باید این کار انجام شود؟ کسانی که الان آنجا مشغول کار هستند می‌توانستند جای دیگری باشند و به چیز دیگری کمک کنند، هر کس با منطق خودش فکر می‌کند. این یک انتخاب است، شاید حرفی روی اینها تأثیر گذاشته است، به هر حال دلشان می‌خواهد همانطور که دل من خواست و الان اینجا هستم و با شما صحبت می‌کنم. یک منطقی این وسط وجود دارد و حتما اینها چیزی وجودشان را تکان داده و سوالی دارند که احساس می‌کنند پاسخ آن آنجاست، من به آنها احترام می‌گذارم، بهشان سلام می‌کنم و از آنها می‌خواهم مرا هم یاد کنند. یک انرژی آنجا وجود دارد و آدمها یا خلوص خودشان آجری را روی آجر دیگر می‌گذارند، چیزی را تمیز می‌کنند یا یک کار هنری انجام می‌دهد.



به گزارش خبرآنلاین، آرشییوی که اخبار لو رفتن آن با تنش میان دولت و صداوسیما وقت کلید خورد و روزها و بلکه ماه‌ها در صدر اخبار بود. همان روزهایی که در تهران کسی نمی‌دانست یا نمی‌خواست بداند یا نمی‌خواست بگوید که ماجرا از چه قرار است و چه کسانی کبی آرشییو غنی صداوسیما را به حراج گذاشته‌اند و چه کسانی خریده‌اند و کجا این اتفاقات افتاده است، شبکه‌های تلویزیونی آن‌سوی آب با آن آرشییو روایت‌های خودشان را ساختند و منتشر کردند و آنچه می‌خواستند حاصل شد و به دست آمد.

روایت وقایع مک فرارین سال ۶۵ و سورپرایز رئیس‌جمهور وقت در سال ۹۲

سراغاز تمام این رویدادها از وقتی شروع شد که جریانی سیاسی می‌خواست‌دولت وقت یعنی دولت یازدهم و سیاست خارجی آن را به چالش کشیده و حسن روحانی و محمدجواد ظریف، رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه که با دادن شعار احیای روابط بین‌المللی و گفتگو با آمریکا برای حل مسائل وادارو شد: من نقشی به نام حاج مرزوق هسته‌ای، سرکار آمده بود را تحت‌فشار قرار دهد. این جریان با تصاویری که در آرشییو محرمانه سازمان صداوسیما بود روایتی از دیدار حسن روحانی و مک فرارین مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۶۵ را ساخته و با مرور آن تصاویر سعی داشتند سابقه‌ای را روشن کنند. تصاویری که تا قبل از آن محرمانه بود به‌یک‌باره دست گروهی جوان افتاد که هیچ ردی و اثری از آنان تا پیش از ساخت آن مستند نبود؛ ولی آنان آمدند، فیلم مستندی با نام «من حسن روحانی هستم» را ساختند و بعد هم در لایه‌لای جمعیت کم شدند، نه کارگردانش «معصومه نبوی» دیگر اثری را ساخت و نه آن شرکت فیلم‌سازی و توزیع، کاری کرد.

این مستند روابط تازه بر سر کار آمده و عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صداوسیما را تیره کرد چه اینکه حواشی زیادی به پا شد و تقریباً کسی از مقامات نبود که واکنشی نسبت به ساخت و انتشار عجیب‌وفریب این مستند نداشت. از طرفداران دولت تا مخالفان آن.

همان سال ۹۲ که حسین محمدیان به‌یک‌باره و بدون آشنایی با این حوزه به مدیریت آرشییو صداوسیما رسید و خروجی این مدیریت موفق، ساخت مستندی بود که رئیس‌جمهور مستقر کشور را در روز تولدش غافلگیر کرد و احتمالاً از طرف دوستان تشویق شد اما فاجعه‌ای دیگر در آن پشت رقم خورد و آن سرفت آرشییو سازمان و فروش آن بود.

هرچند که بسیاری از ما از این تنش بی‌خبر بوده و آگاه نشدیم مگر وقتی‌که امیر تاجیک یکی از مدیران دوره محمد سرفراز بر صداوسیما در نامه‌ی سرگشاده به عزت‌الله ضرغامی نوشت: «علاوه بر همه اینها، جنابعالی درخصوص آرشییو سازمان و پخش تصاویر محرمانه از شبکه‌های معاند اظهار نظر کرده بودید که هیچ تصویری از آرشییو خارج نشده است. سؤال اینجاست که چرا مدیرکل اسبق آرشییو تا سر حد بازداشت پیش رفت و تنها به دلیل واسطه‌گری شما بازداشت نشد؟ و چرا دو نفر از کارشناسان زیرمجموعه ایشان بازداشت شده، در دادگاه حضور یافتند و محکوم به حبس شدند؟ اینکه اظهار من الشمس است که تصاویر تلویزیون در شبکه‌های معاند و در قالب برنامه‌های مختلف به نمایش درمی‌آید و شما تنها به تکذیب بسنده می‌کنید.» و خب آن مدیر اسبق کسی نبود جز حسین محمدیان.

بماند که در نامه امیر تاجیک مدیر وقت شبکه مستند صداوسیما در آن نامه سرگشاده چیزهای بسیاری گفته شد، از جمله کمک بلاعوض یک میلیارد دلاری محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت

ما هم راه‌والت دیزنی را برویم

ناصر اویژه که این روزها نمایش «مش مش قلی خان» را روی صحنه می‌برد، گفت: اگر بتوانیم عناصر کهن را با زبان امروزی برای بچه‌ها جذاب کنیم، همچنان آن را دوست خواهند داشت و این همان کاری است که والت دیزنی انجام می‌دهد.

این کارگردان و بازیگر تئاتر با ارایه توضیحاتی درباره تازه‌ترین نمایش خود به ایسنا گفت: مخاطب نمایش ما کودک است ولی خانواده‌ها یعنی پدر و مادرها هم به خوبی با کار ارتباط برقرار می‌کنند چون این نمایش برای آنان نوستالژی دارد و ما از ترانه‌های فولکلور بهره می‌بریم که شنیدن دوباره‌اش برای نسل قبلی لذت‌بخش است.

او با ابراز خرسندی از استقبال کودکان از نمایش «مش مش قلی خان» اضافه کرد: بچه‌ها هم به خوبی با کار ارتباط برقرار می‌کنند و این نشان می‌دهد که موسیقی و داستان‌های فولکلور در ناخودآگاه جعبی ما وجود دارد و در حافظه جمعی ما محفوظ است. بنابراین اگر نسبت به داستان‌های کهن و فولکلور، نگاه به روزتر و دقیق‌تری داشته باشیم، می‌توانیم نسل جدید را هم با خود همراه کنیم و این همان کاری است که والت دیزنی انجام می‌دهد.

اویژه درباره داستان این نمایش توضیح داد: نمایش ما درباره پسری است به نام «مش مش قلی خان» که با رفتار نسنجیده خود، اهالی یک روستا را دچار درسر می‌کند. درواقع محتوای نمایش

«من و تو» با آرشییو محرمانه صداوسیما سال‌هاست بر نامه می‌سازد؛ سازمان چه می‌کند؟

بازخوانی روایتی قدیمی از فروش آرشییو مهر و موم شده

این شب‌ها باری دیگر شبکه ماهواره‌ای(من و تو) مستندهایی را بازپخش می‌کند که بر پایه آرشییو صداوسیما ساخته شده است. آرشییوی محرمانه و مهر و موم شده که این روزها خوراک بخش بزرگی از شبکه‌های آن‌سوی آب‌ها را تأمین کرده و ساخته است و تمامی آنان برای روایت‌های خود دستی بر آتش این آرشییو دارند، درحالی‌که صداوسیما کم‌ترین بهره را از این امکان بالقوه خود می‌برد و آنچه می‌سازد بیشتر مناسبتی است، درحالی‌که می‌توان بسیار خلافتانه یا آن بی‌خورد کرد و برنامه‌های هفتگی ساخت و به‌غیراز ایجاد سرگرمی و جذابیت، تاریخ معاصر را از منظرهای مختلف با محققان مورد پژوهش و بررسی قرار داد.



ضرغامی تأکید کرد: «روشن کنند اصلاً درباره چه چیزی حرف می‌زنند، هر نظری که دستگه اطلاعاتی درباره بنده و حتی مدیر قبل آرشییو بدهد همه را می‌پذیریم. به این‌طور شایعات بی‌اساس نباید توجه کرد، چون بی‌اساس است و ارزش خبری ندارد. ضرغامی با تأکید بر اینکه هر طول این مدت هیچ‌گونه برگه، اطلاعات، تماس تلفنی و اطلاع‌رسانی در ارتباط با مسئله آرشییو و مسائلی که مطرح می‌کنند، به وی ارائه نشده است، گفت: نه‌تنها این مسائلی که مطرح می‌کنند یا من مطرح نشده است، بلکه با رئیس وقت آرشییو هم مطرح نشده است؛ به نظرم این بحث خوب است توسط دستگه‌های اطلاعاتی روشن شود.

وی با بیان اینکه وزارت اطلاعات وظیفه دارد این موارد را بررسی کند، اظهار کرد: اصلاً چنین چیزی معلوم نیست اتفاق افتاده یا نه که در دوره ما هم باشد.»
عزت‌مندان آشنا

بعد پایان مأموریت عزت‌الله ضرغامی، محمد سرفراز بر کرسی سازمان صداوسیما نشست. او در کتاب الکترونیک «روایت یک استعفا» در خصوص آرشییو و ماجراهای آن در پاسخ یکی از پرسش‌ها چنین گفت: «در همان زمان به ما گزارش دادند که بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ شوهای خوانندگان زن قبل از انقلاب را از سازمان خارج کردند تا معدوم کنند؛ اما این‌ها به شبکه‌های خارجی فروخته شد. مورد دیگر هم خروج غیرقانونی آرشییو توسط یکی - دو کارمند آرشییو مرکزی بود. در جلسه‌ای که من با مدیرکل وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۴ داشتم به من اعلام کرد مدت‌ها روی بحث خروج تصاویر آرشییوی به خارج کشور کار کرده و در نهایت یک نفر دستیار تهیه‌کننده را هنگام خروج نوراها همراه هارد دیسک‌هایی که شمارهٔ اموال صداوسیما داشتند، در فرودگاه بازداشت کرده بودند! به هرحال این تصاویر در شبکه‌های خارج از کشور منتشر شده و به شکل‌های گوناگون قابل پیگرد هستند. در زمان ریاست آقای ضرغامی اقدام خوبی صورت گرفت

و بخشی از آرشییو که محرمانه تلقی می‌شد مورد استفاده قرار گرفت و بخشی از نواهای قدیمی به تدریج به سیستم دیجیتال تبدیل شد. مدیر آرشییو باید دقت می‌کرد تا این منابع در اختیار افراد بی‌صلاحیت قرار نگیرد»
حالا که تقریباً دهه‌ای از آن ماجراها گذشته است، آنان با بارها تکرار آن تصاویر آرشییوی به بخشی از آنچه می‌خواستند برسیند و گامکان در حال برنامه‌سازی هستند، شبکه من و تو گامکان برنامه تولل زمان را دارد و از آنجایی‌که تصاویر آرشییوی همیشه جذاب است، قطعاً بخشی از مردم مخاطبان ثابت آن برنامه‌ها هستند. بماند که چند مستند دیگر همچون «انقلاب ۵۷»، «رضاشاه» و… در این زمینه و همچنین برنامه‌های متعددی در بی‌بی‌سی فارسی و دیگر شبکه‌ها ساخته شد.

همان سال‌ها که این مستندها برای اولین بار پخش شد خبرنگار رسانه اصولگرای تسنیم پرسید: «سؤال مهمی که با دین» «انقلاب ۵۷» به ذهن هر فیلم‌سازی می‌رسد، این است که این آرشییو قوی چگونه جمع‌آوری شده است؟ فیلم‌هایی که اکثراً در صداوسیما با عنوان محرمانه آرشییو شده‌اند و هر مستندساز داخلی (حتی از نوع انقلابی) هم نمی‌تواند به آن دسترسی پیدا کند، به یکباره سر از شبکه‌های ماهواره‌ای درمی‌آورد.» پرسشی که محوری بود اما خود خبرنگار در همان پاراگراف پاسخی داد تا خودش را قانع کند و نوشت: «البته این سؤال با دستگیری چند نفر از افرادی که این آرشییو را در اختیار شبکه‌های خارجی قرار داده بودند، پاسخ داده شد.»

اما پرسش مهم‌تر از مسئولان صداوسیما این است که شما چه می‌کنید، آیا در آرشییو را به روی محققان و مستندسازان گشوده‌اید تا بتوانند مستندها و روایت‌های خود را بسازند یا گامکان آن آرشییو مهر و موم است و ما باید از شبکه‌های آن‌سوی آب آرشییو این‌سوی آب را ببینیم.

درباره آدم بودن است و اینکه انسان بودن صرفاً به حرف زدن و راه رفتن و اینها نیست بلکه فراتر از همه اینها رعایت ادب و احترام، کمک کردن به دیگران و مهربانی است. این موضوع همچنان هم می‌تواند به روز باشد. البته این پیام‌ها به شیوه غیر مستقیم و با زبان نمایش و به صورت موزیکال به تماشاگران ارایه می‌شود.

او با اشاره به اینکه دیالوگ‌های این نمایش مسجع است، افزود: از آنجا که کل شهر نمایش ما بر مدار درستی حرکت می‌کند، ما آن زبان مناسبی هم برای دیالوگ‌های آن انتخاب کنیم و بدنی ترتیب قرار شد دیالوگ‌ها آهنگین باشند البته دیالوگ‌های «مش مش قلی خان» زبان دیگری دارند . با این انتخاب نشان می‌دهیم که برای

زبان هم احترام ویژه‌ای قائل هستیم. این کارگردان اضافه کرد: ارایه این مفاهیم به نسل امروز بسیار مهم است و دوست داشتمیم بر تماشاگران بیشتری اثر بگذاریم. خوشبختانه تماشاگرانی داریم که چندین بار به تماشای نمایش آمده‌اند.

او که این نمایش را در فرهنگسرای شفق روی صحنه می‌برد، ادامه داد: خوشبختانه در این مدت با استقبال کم‌نظیر تماشاگران مواجه شده‌ایم و ای کاش بعد از نمایش ما آثار دیگری هم در این فرهنگسرا اجرا داشته باشند تا تماشاگر بداند همیشه در این فرهنگسرای ایران، بوستان روی صحنه است. بدین ترتیب تماشاگر این مکان را جزو مکان‌های

۳۳ درصد مردم موافق مداخلی همراه با موسیقی هستند!

ترجیح پاسخگویان در خصوص سبک‌های عزاداری بر حسب محل سکونت و سرانه هزینه فرد در خانوار متفاوت است.
ساکتین روستاها بیش از سایرین و همچنین افرادی که سرانه هزینه آنها در خانوار کمتر از دو میلیون تومان در ماه است به نسبت دیگران، سبک‌های سنتی را در عزاداری می‌پسندند.

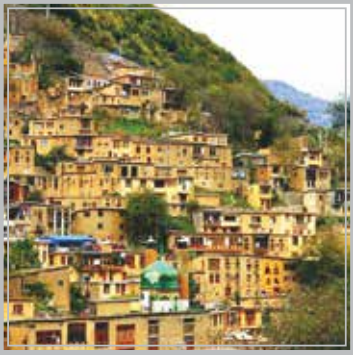
در ادامه از پاسخگویان پرسیده شده است: «اخیراً برخی مداحان در استودیو، مداحی را همراه با موسیقی اجرا می‌کنند؛ شما با این سبک مداحی موافق هستید؟» طبق یافته‌های به دست آمده ۲/۶۷ درصد از پاسخگویان با اجرای مداحی همراه با موسیقی توسط برخی مداحان در استودیو مخالف و ۶/۲۲ درصد موافق هستند.
۸/۹ درصد از پاسخگویان در این خصوص نظر خاصی نداشته‌اند.

دیدگاه پاسخگویان در خصوص اجرای مداحی همراه با موسیقی توسط برخی مداحان در استودیو در بین زنان و مردان و گروه‌های مختلف سنی متفاوت است. به طوری که زنان بیشتر از مردان و افراد ۱۸ تا ۲۹ سال بیشتر از دیگران با اجرای مداحی همراه با موسیقی توسط برخی مداحان در استودیو موافق هستند.
دیدگاه پاسخگویان در خصوص اجرای مداحی همراه با موسیقی توسط برخی مداحان در استودیو بین سایر متغیرهای زمینه‌ای تفاوت معناداری ندارد.

فرهنگ و هنر

خبر

توضیحاتی درباره ابهام پرونده «ماسوله» در یونسکو



به دنبال مخالفت شورای جهانی بافت‌ها و بناهای تاریخی (ایکوموس) با ثبت جهانی پرونده «منظر فرهنگی ماسوله» در یونسکو به‌خاطر ایرادهایی که مطرح کرده، مدیرکل پیشین ثبت آثار در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، درباره این ابهام و ایرادهای مورد اشاره توضیحاتی داد.

به گزارش ایسنا، مصطفی پورعلی درباره آخرین وضعیت ثبت جهانی پرونده «منظر فرهنگی ماسوله» گفت: پرونده پیشنهادی «منظر فرهنگی ماسوله» بنا بر نظر مشورتی و مصوبه شورای ملی ثبت آثار در سال ۱۴۰۰ برای «منظر فرهنگی ماسوله» از سال ۲۰۰۷ میلادی

در «فهرست در انتظار میراث جهانی یونسکو» قرار داده و به لحاظ حفاظتی و مدیریتی از شرایط قابل قبولی برای نامزدی ثبت در فهرست میراث جهانی بهره‌مند بوده و هست.

مدیرکل پیشین ثبت آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ادامه داد: ارزیابی میدانی پرونده از سوی شورای جهانی بافت‌ها و بناهای تاریخی (ایکوموس) در تابستان ۱۴۰۱ توسط کارشناس اعزامی یونسکو انجام شد و بنا بر اذعان همگان، گزارش ارزیابی جانجبه‌های کاملاً مثبت سایت است، امری که ایکوموس جهانی نیز بر اساس آن در نظریه خود، به تأیید شرایط حفاظتی ماسوله اذعان کرده است.

او اظهار کرد: پرونده ثبت جهانی ماسوله، مانند سال‌های پیش در مورد دیگر پرونده‌های جهانی، در دفتر موسوم به «دفتر تدوین پرونده‌های ثبت جهانی» تهیه شده است.
دفتری که به دلیل ضرورت ساماندهی‌های ساختاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و با نظر سازمان بازرسی کل کشور، در دولت جدید پس از ارسال پرونده ماسوله به یونسکو، به طور رسمی در ذیل اداره کل ثبت آثار معاولت میراث فرهنگی بازتعریف شده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

پورعلی درباره ابهامات پرونده ثبت جهانی ماسوله نیز گفت: شائبه‌های مطرح‌شده درباره نظر ایکوموس راجع به پرونده ماسوله، به ابهاماتی برمی‌گردد که ایکوموس علی‌الظاهر به‌دلیل نبود امکان ارتباط کامل با کارشناسان تهیه‌کننده پرونده، وارد کرده‌است. بدیهی است این موضوع نگرانی‌هایی را برای طرح موضوع ثبت جهانی ماسوله در کمیته میراث جهانی کنوانسیون متخصصان جهانی است.
هیأتی فراهم می‌کرد، از این رو در ماه گذشته، هیأتی کارشناسان متخصص حوزه ثبت جهانی از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به یونسکو اعزام شدند و ارزیابی‌های لازم در راستای بازرسی‌های ارزنش‌های منظر فرهنگی ماسوله و رفع ابهامات مطرح‌شده با اعضای کمیته میراث جهانی به انجام رسید.

او یادآور شد: کمیته میراث جهانی متشکل از ۲۱ کشور منتخب از میان کشورهای عضو کنوانسیون میراث جهانی است و مبروز و معض توضیح می‌دهد.
۲۱ کشور منتخب از میان کشورهای عضو کنوانسیون میراث جهانی است و مبروز و معض توضیح می‌دهد.
۲۱ کشور منتخب از میان کشورهای عضو کنوانسیون میراث جهانی است و مبروز و معض توضیح می‌دهد.
۲۱ کشور منتخب از میان کشورهای عضو کنوانسیون میراث جهانی است و مبروز و معض توضیح می‌دهد.

پورعلی که در دهه ۹۰ مدیر پی‌اچ‌اگ میراث فرهنگی و گردشگری ماسوله بود، ادامه داد: گذشته و طبق روال مرسوم کمیته میراث جهانی، موارد عدیده‌ای پیش آمده است که کمیته میراث جهانی به اصلاح یا تکمیل نظر ایکوموس رأی داده باشد، برای مثال در پرونده راه‌آهن، یا محور ساسانی فارس یا حتی شهر تاریخی یزد، یا وجود نظر «دیفرف» ایکوموس، کمیته میراث جهانی با ثبت این پرونده‌ها موافقت کرد. قطعاً وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تمام تلاش خود را برای موفقیت پرونده‌های پیشنهادی ایران در اجلاس کمیته میراث جهانی پیش رو که مقرر است در اواخر شهریورماه در ریاض عربستان برگزار شود، به انجام خواهد رساند.

پورعلی در نهایت ابراز امیدواری کرد که اخیر نهای تصمیمات کمیته میراث جهانی پیش رو، شادی‌بخش و موفقیت‌آمیز رقم بخورد.

